

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ش. آهنگر
۰۶ جنوری ۲۰۱۷

امپریالیسم در گرداب فساد و تباهی

جهان سرمایه داری در عمق سیستم خود بحران های ساختاری، ذاتی و درونی دارد که چون خوره آن را می خورد. انارشی تولید، اولیگارشی مالی، رقابت بی بند و بار، کسب سود سیری ناپذیر، طینت استعماری و استثمارگری، تراکم کالا و سرمایه و صدور آن، جنگ طلبی و جهان گشائی و... ضمایم لاینفک نظام سرمایه هستند که این نظام بدون آن ها هستی نمی یابد. همین ضمایم لاینفک نظام سرمایه داری در عین حال عوامل بحران زای دائمی هستند که هرگز نمی تواند نظام مذکور از آن رهائی یابد.

سردمداران نظام سرمایه داری پیوسته کوشیده اند ضعف های ذاتی نظام را از مردم بپوشانند و با نیرنگ های مختلف آن را قدرت و پایداری جلوه دهند، که تاحدی در ذهنیت های ساده انگار تأثیر هم گذاشته اند. درین راستا از ترفند های مضر و ویرانگری بهره می گیرند. از جمله یکی از شگرد های سرمایه داران - امپریالیست ها - اینست که برای پرت کردن توجه مردم، آن ها همیشه به ضعف های دیگران می تازند و هوش و حواس مردم را به کمبودهای دیگران، که هوچیان سرمایه صدها و هزاران بار آن را بزرگ سازی می کنند، متوجه می سازند و حریفان را نیز در حالت دفاعی انداخته و قدرت حمله و افشاگری کمبودهای خودشان را از حریف می گیرند.

"دفاع از دموکراسی در آن سوی دنیا"، "پایمال شدن حقوق بشر" در فلان کشور، "داشتن فلان سلاح" در شرق جهان و... ترفندهائی هستند که امپریالیست ها همیشه آن را بهانه هیاهو قرار داده و می دهند. در این موارد به حدی سروصدا می کنند و وسایل تبلیغاتی متعدد را به کار می اندازند که مردم بی خبر در محاصره پروپاگندهای شان مسموم می شوند و بعضاً آن را حقیقت می پندارند. در این هیاهو و دروغ بافی ها، هوچیان سرمایه آن قدر چهره حق به جانب می گیرند که گوئی خودشان فرشتگان بی گناه و مبرا از هرگونه عیب و نقص هستند و اصلاً سرزمین های "پدری" و مستعمرات شان گل و گلزار است.

امپریالیسم امریکا را که سردمدار امپریالیسم جهان است در نظر بگیرید. هم اکنون به میلیون ها انسان در آن کشور از تبعیض نژادی رنج می برند و هرگز سیاه پوستان و حتی هسپانیائی تباران آن حق مساوی در هیچ زمینه ای با انگلوساکسون ها ندارند. از حقوق بشر دم می زنند اما گند رسوائی های شان در زیر پای کردن حقوق بشر در زندان های "گوانتانامو"، "ابو غریب" و "بگرام" مشام جهانیان را اذیت کرد و همه دیدند که آنچه به فرهنگ امریکائی ارزش ندارد "حقوق بشر" و اصلاً در کل انسان و انسانیت است.

امپریالیسم امریکا محیلانه از داشتن سلاح "اتومی و کیمیائی" دیگران شکایت می کند و آن را خطرناک می داند؛ و به این بهانه برکشورها می تازد(نمونه اش عراق)، ولی در یک محاسبه معمولی متخصصان، برای ازبین بردن تنها سلاح های کیمیائی خودش، سی سال وقت و میلیاردها دالر نیاز است؟؟؟ و امریکا یگانه کشوریست درجهان که تا به حال از سلاح اتومی درکشنتارجمعی مردم(جاپان) استفاده کرده است. آخر مگر بیشرمی هیچ حدی ندارد؟؟؟

امپریالیسم تمام این ترفند ها را برای اغوای مردم، تصرف جهان و آقائی بر بشریت و پوشاندن نکات ضعف اساسی نظامش به کار می گیرد. ورنه کی نمی داند که اگر دموکراسی ذره ای به امریکا و متحدینش زیان برساند و یا حتی سود نیاورد، هزار مرتبه آن را زیر پای می گذارند. چنان که قانونی ترین حکومت هائی که حتی با معیارهای سرمایه داری در انتخابات و به رأی آزاد مردم روی کار آمده اند، ولی با امریکا سازش نکرده اند، را با کودتاهای خونین به دست ضد دموکرات ترین آدمکشان ازبین برد. نمونه های برجسته اش در چیلی حکومت انتخابی سالوادور آلنده و در ایران باز هم حکومت انتخابی محمد مصدق و...

هم اکنون بر روی منافع خاص امریکا و اسرائیل و متحدان شان – این منادیان "دموکراسی و حقوق بشر" با وحشی ترین، خونخواران اسلامیت و بنیادگرای القاعده و کثیف تر از آن، در سوریه ائتلاف کرده و ملک و هستی آن سرزمین را نابود می کنند و خلق مظلوم آن را به خاک و خون می کشند. چه دفاع وحشتناکی از "حقوق بشر و دموکراسی"!!!

در افغانستان مجموعه امپریالیست های جهان، به سردمداری امریکا، دست در دست بنیادگرایان اسلامیت جهادی، جنگ سالاران و مرتجع ترین و ضد دموکرات ترین نیروهای جنایتکار جامعه، به استعمار و استثمار خلق ما مصروف اند و روزمره با به کاربرد خطرناک ترین سلاح ها بر "حقوق بشر" و "دموکراسی" تجاوز و تعرض می کنند. امپریالیست ها و مرتجعین همدست شان، افغانستان را به کانون تجاوزات، آدم کشی، جرم، فساد، اعتیاد، فقر، ترور، بیکاری و گرسنگی و دریک کلام جهنم انسان بدل کرده اند.

دست درازی های امریکا در اینجا و آنجای جهان به خاطر استعمار کشورها و غصب منابع مادی و اقتصادی شان برای وصله زدن سوراخ های عمیق اقتصادی - اجتماعی نظام امپریالیستی حاکم بر امریکا و پر کردن جیب گردانندگان کمپنی های جهان خوار سرمایه است.

امریکا قرضدارترین و ورشکسته ترین دولت در طول تاریخ در جهان است. ما همه شاهد بودیم که در نتیجه شکافی که بین دو حزب حاکم دموکرات و جمهوری خواه به وجود آمد، چندی قبل این رسوائی بیرون زد و مدتی حتی دولت پرمدها و پر طمطراق امریکا تعطیل شد، چون معاش مأمورین خود را هم نداشت که بپردازد.

وقتی رسوائی از حد گذشت و صدای اعتراض جهان، حتی بانک جهانی، به خاطر بدهی های امریکا بلند شد، به یک نحوی هر دو حزب آن را ماست مالی کردند و سقف قرضه را برای دولت بلند بردند تا با قرض گرفتن بیشتر جلوی رسوائی را بگیرد. کنگره امریکا فیصله کرد که دولت اوباما می تواند ۱۶،۷ تریلیون دالر یعنی ۱۶۷۰۰ میلیارد دالر قرضه بگیرد.

این قرضه ۶۷٪ بیشتر از مقداری است که در بدترین بحران یعنی در سال ۲۰۰۸ م دولت امریکا قرض گرفته بود. به تاریخ ۲۰۰۸/۹/۳۰ م دولت امریکا مجبور شد سقف قرضه اش را تا ده تریلیون دالر بالا بکشد. تحلیلگران این مقطع را نقطه عطف بحران سرمایه داری تعیین کرده بودند، اما اکنون که آن را به ۱۶،۷ تریلیون دالر رسانده اند(۶۷ فیصد بیشتر از نقطه عطف بحران عمیق)، اگر این سقوط و به زانو در آمدن نظام امپریالیستی نیست پس چیست؟

امپریالیسم پرمدمعای امریکا تا ماه جولای سال قبل ۲۰۱۶، ۱ تریلیون دلار (هر تریلیون برابر به هزار میلیارد) از چین و ۱،۱۳۵ تریلیون دلار از جاپان قرضدار بود که حال مطمئناً این رقم بیشتر شده است، قرض های کوچک تر از آن را ذکر نمی کنیم.

اکنون که انتخابات ماه نومبر ۲۰۱۶ م که در آن دونالد "ترمپ" به حیث رئیس جمهور انتخاب شد، اوج فساد و عمق تضادهای درون نظام امپریالیستی امریکا را به نمایش گذاشت و جامعه امریکا نشان داد که در چه تکه پارگی و دسته بندی های مخوفی به سر می برد. انتخاب ترمپ و افراد نامزد شده در کابینه اش، نشان می دهد که کارد به گلوی نظام سرمایه رسیده و سرمایه داران، نمایندگان سیاسی خویش (سیاستمداران دموکرات و جمهوریخواه) را برای نجات از این بحران عمیق ناتوان می بینند و خود میلیاردرها برای نجات شان مستقیماً وارد میدان شده و سکان حکومت را به دست می گیرند. ترامپ ملیاردر، چندین میلیاردر را، که هیچ تجربه مستقیم سیاسی و حکومت داری ندارند، وارد کابینه خود و مقامات ارشد دولتی ساخته که شاید بتوانند نظام را از سقوط در گرداب تباهی نجات دهند.

ترامپ و دستیارانش اغواگرانه، گاهی مهاجران را مقصر بحران در امریکا می دانند و گاهی مرز بین مکزیک و امریکا را برای نجاتش می خواهند دیوار کنند و گاهی هم خواب احیای امپراتوری جهانی را برای امریکا می بینند. آن ها برای تحقق این خیالات شان به عوامفریبی و وعده وعیدهای اغواگرانه متوسل می شوند. و...

آنچه ذکرش رفت، نمونه هائی از جنایت، خونریزی، فساد، پایمال کردن حقوق بشر، زیرپای کردن دموکراسی، تصادم تضادهای درونی، فساد و تباهی و به زانو افتادن و ورشکستگی سردمدار امپریالیسم جهانی، یعنی امپریالیسم امریکا است.

با این حال کسانی این چنین یک نظام کلاه بردار، فاسد، ضد انسان، استعمارگر، جنگ طلب و... وحشی را، الگوی زندگی به کشور ما و جهان می گیرند و با دیده درآئی، نظام منفور و ورشکسته سرمایه داری را بهترین نظام ساخته انسان می دانند!!!

زهی حماقت و بی حیائی!